

ارزیابی توسعه میان‌افزا در محله‌های شهری با رویکرد زمینه‌گرایی در افزایش تعاملات ساکنین (مطالعه موردی: کوی دانش تبریز)^۱

محمدعلی بنی‌هاشمی* - مربی، گروه طراحی شهری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز،

ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹

چکیده

توسعه میان‌افزا، ضرورت‌گریزناپذیر شهر در مواجهه با رشد بی‌رویه شهرنشینی، خزش شهر به حاشیه‌ها و پراکنده‌روی می‌باشد. اما تأثیر توجه به پیامد آن بر پیکره‌شهر در بهبود اقدامات آتی، ضرورت تمرکز بر مرحله ارزیابی را به رغم تأخر زمانی نسبت به مراحل اولیه توسعه، در درجه بالایی از اهمیت قرار داده و لزوم سنجش موفقیت هر توسعه را در گذر زمان در تطابق با اهداف مشخص شده از سوی نهادهای شهری و برنامه‌های فرادست ایجاب میکند. اگرچه رشد شهر حاصل تعامل پیچیده‌ی عوامل مختلف و گاه پنهان در طول زمان بوده و به تدریج نمود می‌یابد؛ لیکن بازتاب کلیه تصمیمات کلان و عوامل تأثیرگذار، اعم از کالبدی و کارکردی به مرور در محتوای ذهنی ساکنین بروز می‌یابد. براین اساس میزان همگرایی ذهنی و اتفاق‌نظر شهروندان در جهت تعامل هرچه بیشتر می‌تواند نشانه‌ای از اتخاذ تصمیمات به جا در بدو شکل‌گیری و انسجام حاصل از توسعه-ای موفق و معیاری بر میزان تعاملات بخش اضافه‌شده با زمینه، به لحاظ کارکردی و فضایی تبیین و تعبیر شود. هدف از این پژوهش ارزیابی موفقیت توسعه میان‌افزا در مطالعه موردی کوی دانش تبریز پس از سپری شدن سه دهه از جاگیری در محله قدیمی امامیه با معیارهای مستخرج از اصول زمینه‌گرایی و تأثیر آنها در محتوای ذهنی ساکنین می‌باشد. در این مقاله کوشیده شده است با مراجعه به منابع معتبر علمی، معیارهای ارزیابی توسعه میان‌افزا بر اساس رویکرد زمینه‌گرایی با روش متنی روایی استخراج و در نهایت میزان همگرایی ذهنی اهالی درمطابقت با این معیارها در مطالعه موردی کوی دانش تبریز از طریق پرسشنامه و مصاحبه، با روش تحلیل داده‌های کمی موردبررسی قرارگیرد. نتایج مطالعات نشان می‌دهد ساکنین کوی دانش به غیر از تعاملات اجتماعی و فرهنگی و تعهد اکولوژیکی از حیث سایر معیارهای زمینه‌گرایی اعم از مشارکت فضایی، معنایی، تاریخی، تمایلی برای تعامل با محلات مجاور نداشته و در مجموع ترجیح بر دوری‌گزینی دارند.

واژگان کلیدی: توسعه میان‌افزا، زمینه‌گرایی، کوی دانش، انسجام، تعامل

Email: M.banihashemi@tabriziau.ac.ir

*نویسنده مسئول:

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پوهشی به شماره قرارداد ۱۱۱۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۳ با عنوان «توسعه میان‌افزا در مجموعه‌های شهری - تاریخی با رویکرد حفاظت (نمونه موردی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)» می‌باشد، که با حمایت مالی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

ارجاع به این مقاله:

بنی‌هاشمی و بوجوه، سید محمد علی. (۱۳۹۷). ارزیابی توسعه میان‌افزا در محله‌های شهری با رویکرد زمینه‌گرایی در افزایش تعاملات ساکنین (مطالعه موردی: کوی دانش

تبریز). دانش شهرسازی، ۲(۲)، ۲۰۱-۲۱۵. doi: 10.22124/upk.2018.10588.1099

بیان مسئله

با رشد بی‌رویه جمعیت شهرنشین و گسترش شهرها به سمت حاشیه، راهبرد توسعه درون‌زا به‌عنوان انگاره‌ای مؤثر، با هدف هدایت رشد شهر به سوی یک توسعه هدفمند، متوازن، پایدار و پویا و منسجم، مورد توجه محافل علمی، برنامه‌ریزان شهری و مجریان ذی‌ربط قرار گرفت. از طرفی توسعه میان‌افزا که زیرمجموعه جنبش رشد هوشمند و ساده‌ترین رویکرد برای تحقق توسعه درون‌زا بود، برای جلوگیری از پراکنده رویی شهرها مورد تأکید قرار گرفت. رویکردی که سعی دارد به‌جای توسعه حاشیه‌ای از ظرفیت درونی شهرها استفاده نماید؛ که نوعی احیاء مجدد مراکز شهری بوده و توسعه را در داخل مرزهای شهری به پیش می‌برد و با معرفی راهکارهای متنوعی در زمینه نحوه ساماندهی محلات و مراکز شهری از پتانسیل‌های زمین‌های بایر و رها شده درون شهری استفاده کند.

رویکرد میان‌افزا در کشورمان همگام با توجهات جهانی به مقوله توسعه هدفمند، در مطابقت با فضای حاکم کشور در حال پیگیری بود. در دهه ۴۰ و ۵۰ با اوج‌گیری گرایش‌های صنعتی در ایران و انباشت سرمایه حاصل از فروش نفت و ساخت کارخانه‌ها و تقویت سازمان‌های دولتی و بخش غیردولتی و اصناف، به‌منظور ارائه تسهیلات، مجموعه‌های اقامتی با مشارکت بخش خصوصی برای اسکان خانواده‌های افراد شاغل و منتسب به این نهادهای دولتی یا سازمان‌های خصوصی و کارگری ساخته شد. برخی از این مجموعه‌ها در قالب مجتمع، کوی و شهرک‌هایی در داخل شهر و مجاورت محلات قدیمی جاگذاری شد. به نمونه‌های متعددی نظیر کوی نارمک در تهران و کوی اطباء و دانش در تبریز و دیگر شهرها می‌توان اشاره کرد. کوی دانش یکی از این موارد است که با تخصیص زمینی در میان محله قدیمی امامیه تبریز از سوی نهادهای متولی آموزش و پرورش به خانواده‌های فرهنگیان، بیش از سه دهه پیش شکل گرفته است. به رغم اشتراکات فراوان در منشا پیدایش چنین مجتمع‌های زیستی در جهان که ناشی از افزایش شهرنشینی و موج صنعتی شدن بود؛ ولیکن این پدیده در بستر اجتماعی ایران بصورت نیمه برنامه‌ریزی شده، ناقص و اغلب بی‌توجه به تعاملات با زمینه و بافت فرهنگی پیرامون طراحی شد. به نظر میرسد ارزیابی این مجموعه‌ها به لحاظ تأثیر تعاملاتشان با بافت پیرامون در سوگیری ذهنی ساکنین در سالیانی نزدیک به سه دهه که از موجودیتشان گذشته منجر به نتایجی مفید خواهد شد که می‌تواند راهگشای تصمیمات آینده شهری باشد.

از نمونه مطالعات انجام شده در این خصوص می‌توان به مقاله «آرش ثقفی و همکاران» با عنوان «ارزیابی میزان تحقق-پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران» و طرح پژوهشی انجام یافته توسط مهندسان مشاور شارمند با عنوان «ارزیابی پس از اجرای طرح‌های توسعه شهری» و مقاله «مسعود شفیعی دستجردی و همکاران» با عنوان «بررسی تحقق‌پذیری طرح‌های بازآفرینی بافت فرسوده شهری» و طرح پژوهشی از «Urban Land Institute» با عنوان «پیامدهای توسعه میان‌افزای مسکونی در محله‌های موجود»^۱ و مقاله «Hannele Ahvenniemi» با عنوان «تأثیر توسعه میان‌افزا در قیمت آپارتمان‌های موجود در محله‌های کامل شده شهری»^۲ اشاره کرد.

ماهیت این پژوهش کیفی با روش استدلال منطقی در قالب بررسی مطالعه موردی است؛ اما به دلیل استخراج معیارهای قابل اندازه‌گیری کمی، تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بخش مبانی نظری با بهره‌گیری از روش مطالعات کتابخانه‌ای پس از بررسی توسعه میان‌افزا، به منظور استخراج معیارهای ارزیابی تحقق فرآیند توسعه میان‌افزا، از بستر تئوریک اصول زمینه‌گرایی، اقدام به بررسی تطور تاریخی رویکرد زمینه‌گرایی شد. در نهایت مدل مفهومی پژوهش در جمع‌بندی ضروریات توسعه میان‌افزا و زمینه‌گرایی، جهت تبیین ابعادی از زمینه‌گرایی که در ایجاد انسجام فکری و همگرایی ذهنی نقش مهمی ایفا می‌کنند، ارائه شد.

¹ The consequences of residential infill development on existing neighborhoods in the treasure valley

² Impact of infill development on prices of existing apartment in finish urban neighborhoods

مبانی نظری

توسعه میان‌افزا

توسعه میان‌افزای شهری، از سیاست‌های سه‌گانه توسعه شهری است که در کنار سایر سیاست‌های توسعه شهری؛ توسعه متصل یا پیوسته (ایجاد شهرک‌های متصل به شهر و محدوده رسمی شهر) و یا سیاست توسعه شهری منفصل یا ناپیوسته (ایجاد شهرهای جدید یا شهرک‌های اقماری با فاصله از شهر مادر) مطرح می‌شود (آئینی و اردستانی، ۱۳۸۰). این توسعه با به‌کارگیری توان‌ها و فرصت‌های موجود بر اساس برنامه‌ریزی‌های شهری مرتبط، برای ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و در نهایت استفاده از مشارکت و پویای اجتماعی مردم تأکید دارد (آئینی و اردستانی، ۱۳۸۰).

با شروع انقلاب صنعتی در غرب و قانون اصلاحات ارضی در ایران روند شهرنشینی با رشد چشمگیری مواجه گردید (میرکتولی و حسینی، ۱۳۹۲) در پی افزایش روز افزون جمعیت و انباشت کالا و فرصت‌های شغلی در شهرها راه حل‌های متفاوت و گاه متناقضی برای توسعه شهرها مطرح شد که بهره‌گیری از این راه‌حل‌ها به شکل‌گیری حومه‌ها، حاشیه‌نشینی، مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها و پیامدهایی از این دست به‌ویژه در اواخر قرن بیستم دامن زد (رفیعیان، براتی و آرام، ۱۳۸۹) توسعه پیرامونی علاوه بر از بین بردن زمین‌های کشاورزی اطراف شهرها، مشکلات مهم دیگری همچون افزایش هزینه‌های ایجاد و نگهداری زیرساخت‌های شهری، ایجاد ازدحام و شلوغی ترافیک، افزایش طول و تعداد سفرهای شهری ایجاد کرد. (راستین و ولی بیگ، ۱۳۹۳: ۲) و نیز باعث شد برخی فضاها در درون شهر رها شده و از روند توسعه بازمانده (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹) و در نهایت موجب ناکارآمدی و فرسودگی نواحی مرکزی شهرها شد (نسترن و قدوسی، ۱۳۹۴) که این نواحی شامل اراضی دارای آلودگی‌های طبیعی و یا مصنوعی بود که معمولاً در نواحی توسعه یافته شهری واقع شده بودند و برای استفاده مجدد مناسب بودند. این فضاهای رها شده که در نوشتارهای نو شهرگرایی با نام سطوح میان‌افزا خوانده می‌شوند از آن حیث دارای اهمیت‌اند که به سبب استقرارشان در درون شهرها، دارای تأسیسات یا تجهیزات زیرزمینی و روزمینی و دسترسی مناسب به مراکز خدمات و مزایایی از این دست‌اند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). با الگوی توسعه میان‌افزا از رویکردهای رشد هوشمند به عنوان یکی از سیاست‌های محدودسازی رشد شهری در حریم شهرها این اراضی بایر و رها شده شهری به‌کارگرفته می‌شود (اسد بیگی، ۱۳۹۴).

برای توسعه میان‌افزا که شاید بتوان آن را ساده‌ترین تعبیر از توسعه درون‌زا دانست تعاریف و چارچوب‌های نظری متفاوتی ارائه شده که هر یک از جنبه‌های مختلف به بررسی این نوع توسعه پرداخته‌اند (راستین و ولی بیگ، ۱۳۹۳: ۴) توسعه میان‌افزا به‌عنوان رویکردی صرفه‌جویانه برای تأمین سرانه‌های استاندارد شهری و تلاشی پایدار برای افزایش سطح کیفی زندگی (قاسمی و نائینی، ۱۳۹۲: ۱) ضمن نوسازی و به‌سازی و به نوعی دوباره قابل استفاده نمودن مناطق شهری موجود، توزیع عادلانه و برابر بناها و امکانات شهری (وارثی، ۱۳۸۳) با استفاده از زیرساخت‌ها و تسهیلات موجود (Steiner, Frederick & Kent Butler, 2012, 465) به دنبال رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است (آئینی و اردستانی، ۱۳۸۰) که با تمهیداتی می‌تواند سیستم حمل و نقل عمومی موجود را تقویت نماید (American Planning Association, 2006: 457) توسعه میان‌افزا در اساسنامه شهرسازی نوین به‌عنوان ابزاری برای محافظت از منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری اقتصادی، محافظت از پیکره اجتماعی است. بر این اساس به افزایش اختلاط کاربری در محلات و فعالیت مؤسسات و مراکز تجاری در آن‌ها آکید می‌ورزند. (میرمقتدایی و همکاران، ۱۳۸۹)

بحث توسعه میان‌افزا برای اولین بار در کنفرانس هیئات ۴^۱ در کانادا مطرح شد (قاسمی و نائینی، ۱۳۹۲: ۳) سه سال بعد در سال ۱۹۷۹ برای اولین بار توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف و در راستای اهداف اقتصادی

¹ Habitat 4

بکارگرفته شد (Farris, 2001, 1) در سال ۱۹۸۹ پس از برگزاری کنفرانس برانتلند^۱، گزارش WCED به‌عنوان اولین سندی که به طور روشن به توسعه پایدار اشاره می‌کند، منتشر شد و یک سال بعد گزارش CEC در سال ۱۹۹۰ تهیه و در سال ۱۹۹۳ دستور کار سران انتشار یافت (قاسمی و نائینی، ۱۳۹۲، ۴) در سالهای دهه ۱۹۹۰ این مفهوم با نگرشی کالبدی و عملکردی رواج یافت و طرح‌های زیادی به این شیوه تهیه شدند (قاسمی و نائینی، ۱۳۹۲: ۴).

مفهوم توسعه میان‌افزا در زمینه تئوریک شکل یافته است و از آنجایی که این مفهوم ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد در مقیاس‌های گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود؛ به‌لحاظ تئوریک نیز متأثر از طیف‌های مختلفی از نظریات و تکنیک-هاست (فرشچین، شریفیان، رفیعیان و رضانی، ۱۳۹۶) این نوع از توسعه در ابتدا چارچوبی اقتصادی داشته و سپس در مقابله با الگوهای پراکنده رویی شهری، جنبه‌های کالبدی یافت و به مرور تکامل پیدا کرده و در دهه‌های اخیر، ابعاد گوناگونی یافت (قاسمی و نائینی، ۱۳۹۲، ۴) پس از درآمیختن با مفاهیم توسعه پایدار، به لحاظ زیست‌محیطی هم اهمیت پیدا می‌کند. (فرشچین و همکاران، ۱۳۹۶) توسعه درون‌زای شهری بر خلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، با توجه به این که در بستر شهر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد، موضوعی پیچیده، چند وجهی، میان‌بخشی و حتی فرابخشی است (آئینی و اردستانی، ۱۳۸۰). بخشی از این پیچیدگی مربوط است به تعامل فرآیند توسعه با بستر و زمینه‌ای که در آن واقع می‌شود و نیازمند توجه جدی به اصول زمینه‌گرایی است. (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲) زمینه‌گرایی در فرآیند توسعه میان‌افزا مختصات خاص دارد. توسعه میان‌افزای موفق، ساختارهای جدید را به زمینه شهر پیوند می‌دهد، مطلوبیت شهر را بالا برده و تلاش می‌کند تا امکانات موجود و ساخت وساز آینده را با هم در نظر بگیرد (Dorsey, 2003) اصل زمینه‌گرایی ایجاب می‌کند هر نوع سلسله اقدامی در فرآیند توسعه با توجه به زمینه‌ی موجود به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، عملکردی و حقوقی انجام شود.

زمینه‌گرایی از آن جهت در توسعه میان‌افزا اهمیت جدی‌تری می‌یابد که این نوع از توسعه در محیطی پر از نظامات پیچیده و در هم تنیده اتفاق می‌افتد که به تعادل رسیده‌اند؛ لذا هر نوع تغییری باید به گونه‌ای اتفاق بیفتد که بیشترین هماهنگی را با زمینه داشته باشد و کمترین نیرو را بر تعادل موجود وارد آورد. (فرشچین و همکاران، ۱۳۹۶) اصل زمینه‌گرایی به خاطر ماهیت ذات مفهوم توسعه درون‌زا (که مغز و عصاره توسعه میان‌افزا است) می‌تواند به عنوان ویژگی فرآیند هدایت توسعه میان‌افزا مطرح شود (فرشچین و همکاران، ۱۳۹۶) توجه به مبانی رویکرد زمینه‌گرایی در توسعه میان‌افزا به تعاملات بیشتر با زمینه و نهایتاً به انسجام شکلی و کارکردی منجر خواهد شد. بر این اساس می‌توان میزان توفیق توسعه میان‌افزا را با اصول زمینه‌گرایی محک زد و معیارهای ارزیابی تحقق اهداف این توسعه را از پس زمینه تئوریک رویکرد زمینه‌گرایی جستجو و استخراج کرد؛ که این مهم نیازمند دقت در پیشینه و تطور تاریخی این رویکرد است.

رویکرد زمینه‌گرایی

اصطلاح زمینه‌گرایی، نخستین بار توسط استوارت کوهن، استیون هارت^۲ در یک رساله منتشر نشده با عنوان «لوکوربوزیه: معمار شهرساز» به‌کاربرده شد و این بحث از اواخر دهه ۱۹۵۰ شروع شده و در سال‌های ۱۹۵۵ توسط کالین رو و باب اسلاترکی^۳ با ارائه مقاله شفافیت عرضی و واقعی ادامه داده شد. هرچند رویکرد زمینه‌گرایی به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های رایج شهرسازی (تولایی، ۱۳۸۰) در سال‌های ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفت اما ریشه‌های تاریخی زمینه‌گرایی را باید در رویکردهای پیش از آن جستجو کرد. اولین توجهات به زمینه در سال ۱۹۰۰ در واکنش به دوران تجدد و بریدن از سنت-ها و بی‌توجهی به ویژگی محلی و بومی طرح شد، نگاه عموماً کالبدی و شکلی بومی‌گرایی که نقش کم‌رنگی را برای طراح قائل بود و به معماری بدون معمار و شهر بدون شهرساز تأکید داشت در سال ۱۹۰۴ در جهت تداوم و بسط تفکرات

¹ Brandt land conference

² Stuart Cohen & Steven Hurtt

³ Colin Rowe & Bob Slutsky

باغ شهر هاروارد در قالب سنت‌گرایی مطرح شد. حسن فتاحی سنت را یک پدیده شکل‌گرفته در طول زمان و نه کهنه و قدیمی و بی‌حرکت بلکه پویا و قابل اصلاح جهت تداوم و پیوستگی اجتماع می‌داند (فتاحی، ۱۹۷۳، ۲۴۰).

در ادامه رویکرد فراتجددگرایی در معماری و شهرسازی در سال ۱۹۶۱ توسط جین جیکوبز^۱ با چاپ کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا^۲ و رابرت ونچوری^۳ در کتاب پیچیدگی و تضاد^۴ در سال ۱۹۶۶ و چارلز جنکرز^۵ مورد توجه قرار گرفت (زالی، ۱۳۹۴، ۱۲) این رویکرد در جهت تقویت جایگاه طراح در مداخلات شهری بر اساس تئوریهای جدید طرح شد. رویکرد فراتجددگرایی در پی الهام گرفتن از سیمای شهرهای گذشته و انطباق آن با سیمای شهر معاصر حاضر است، به عبارت دیگر می‌خواهد زمان حال را تاریخی سازد (تولایی، ۱۳۸۶، ۱۴۵).

هم‌زمان با روند تکامل رویکرد تجددگرایی، رویکرد منطقه‌گرایی در اواخر دهه ۱۹۶۰ (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲) توسط لوئیس مامفرد^۶ پیشنهاد شد که محتوای آن بازگشت به گذشته‌ای است که برای حال قابل استفاده باشد (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) شکل‌گیری رویکرد منطقه‌گرایی، زمینه لازم برای ظهور تفکر زمینه‌گرایی را در شهرسازی - معمار فراهم کرد. (بحرینی، ۱۳۸۸، ۲۷۲) زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژه‌گی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. از این رو نمی‌توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها، بدون توجه به بعد زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند نگرست. واحد تحلیل در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می‌باشد. (تولایی، ۱۳۸۰)

زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت (تولایی، ۱۳۸۰). «برونت برولین^۷» با تألیف کتاب «معماری زمینه‌گرا»، کالین رو فرد کوتر^۸ با کولاژ شهر، گوسلینگ و آشیهارا^۹ با «طرح تئوری شکل زمینه» از افراد شاخص زمینه‌گرایی کالبدی می‌باشند. (تولایی، ۱۳۸۰) اولین بیانیه این تفکر با طرح ایده کولاژ شهر توسط رو (بحرینی، ۱۳۸۸، ۲۷۲) در سال ۱۹۷۸ ارائه شد. جنبه ادراکی و روش‌شناسی کولاژ شهر بر اصل شکل - زمینه و گشتالت استوار است (تولایی، ۱۳۸۰) و شهر را مجموعه از توده‌های معماری (شکل) و فضاهای خالی (زمینه) پیوسته بینشان می‌داند و شهر موفق را حاصل سازماندهی توده و فضاها در الگوی منسجم و دقیق (تولایی، ۱۳۸۰) می‌داند.

جنبه‌های تاریخی همگام با جنبش حفاظت تاریخی و حفظ هسته‌های تاریخی شهرها مورد توجه زمینه‌گرایان قرار گرفت. استوارت کوهن، تام شوماخر^{۱۰} از شاگردان کلن رو با توجه به جنبه‌های غیر کالبدی و همچنین پاتریک گری با ضرورت مطالعات جامع در زمینه‌های مختلف شهر به‌ویژه زمینه تاریخی (تولایی، ۱۳۸۰) و تلاش نوسنت‌گرایان مانند راب کریر و لئو کرییر^{۱۱} و همچنین آلدوروسی^{۱۲} استمرار تاریخی، توجه به گونه‌های تاریخی معماری نهفته در خاطره جمعی شهروندان و تقویت هدایت تاریخی و محل شهر را وارد ادبیات زمینه‌گرایان شد.

حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و معنا شناختی با توجهات ادوارد رلف^{۱۳} به ابعاد روانشناختی و تجربی حس مکان در کتاب مکان و بی‌مکانی و کوشش دیوید کاتتر^{۱۴} در تبیین پیوند میان انسان و محیط پیرامونش به کمک مفهوم مکان و تشریح و گسترش آن به حیطه فیزیکی و تحلیل فضاهای گمشده که در اثر عدم توجه به عملکرد اجتماعی به نظم فضایی در

¹ Jane Jacobs

² The death and life of great American cities

³ Robert Venturi

⁴ Complexity and Contradiction in Architecture

⁵ Charles Jencks

⁶ Lewis Mumford

⁷ Brent Brolin

⁸ Fred Kutter

⁹ Gosling & Ashihara

¹⁰ Tom Schumacher

¹¹ Rob & Leon Krier

¹² Aldo Rossi

¹³ Edward relph

¹⁴ Canter

شهر به وجود آمده بود وارد ادبیات زمینه‌گرایی شد و توسط ترانسیک^۱ و نیز مطالعات «آموس راپاپورت»^۲ که بر اهمیت ریشه‌های فرهنگی در حوزه‌های مطالعات محیط - رفتار شکل بسط پیدا کرد. به گفته راپاپورت سازماندهی محیط مصنوع، سازماندهی معنی‌هست (تولایی، ۱۳۸۰) و کاربرد روش‌های زبان‌شناسی و معنی‌شناسی و بر انطباق سازماندهی شهر به ساختار زبان‌شناسی و تفسیر سازماندهی شهر و معنی‌یابی آن تأکید داشت. جستجو برای بازیابی معانی‌ای که انسان به شهر می‌دهد کار دشواری است و از این رو از روش‌های زبان‌شناختی و معنی‌شناختی استفاده کردند. (تولایی، ۱۳۸۰)

در نهایت با طرح اصول توسعه پایداری، مباحث زیست‌بومی و «رویکرد اکولوژیکی» نیز در میان مباحث زمینه‌گرایی مورد توجه قرار گرفت. زمینه‌گرایی اکولوژیکی همانا احترام به ظرفیت محیطی مورد مداخله و چرخه کامل حیات ساختمان و مجموعه‌های ساختمانی است (گلکار، ۱۳۸۷) توجه به یکپارچگی اکولوژیکی و ریشه‌های اکولوژیکی از رئوس زمینه‌گرایی زیست‌محیطی می‌باشد. (بهزادفر، ۱۳۸۴، ۸۵)

با مروری بر تطور تاریخی تئوری زمینه‌گرایی ملاحظه کردیم با روند تکامل مباحث در هر برهه‌ای بنا به اقتضات پیش آمده ابعدی بیشتر از پیش مورد توجه زمینه‌گرایان واقع شد که توجه به آن‌ها در تحقق اهداف یک توسعه زمینه‌گرایی موفق، همه جانبه‌نگر و فراگیر حائز اهمیت می‌باشد. هر یک از این ابعاد اهداف متفاوتی را در رابطه با مقتضیات شهر دنبال می‌کند:

- ۱) ابعاد کالبدی؛ توجه به پیوستگی‌های کالبدی و نفوذپذیری و انسجام فضایی
- ۲) ابعاد تاریخی؛ توجه به تقویت و بسط پیوند‌های تاریخی و انسجام تاریخی
- ۳) ابعاد اجتماعی - فرهنگی؛ توجه به مشارکت‌های فعالیتی و اختلاط کاربری‌ها بین ساکنین و انسجام اجتماعی
- ۴) ابعاد معنایی؛ توجه به بسط ابعاد معنایی بین ساکنین نظیر دلبستگی، تعلق، حریم و قلمرو، عدالت و انسجام معنایی
- ۵) ابعاد اکولوژیکی؛ توجه به افزایش تعهد و احترام ساکنین به زیست‌بوم و حیات طبیعی شهر و انسجام رویکرد اکولوژیکی

مدل مفهومی

برای رسیدن به مدل مفهومی پژوهش لازم است ۲ وجه رویه‌ای توسعه میان‌افزا در کنار یکدیگر تبیین شوند. مفاهیم رویه‌ای در توسعه میان‌افزا بر مبنای دو اصل ارتقا - بهبود و زمینه‌گرایی بنا نهاده شده‌اند (مبانی رویه‌ای - ۱۷۸) این دو بعد توسعه میان‌افزا با وجود اشتراکات فراوان در هدف توسعه به سبب عدم تبیین صحیح گاه‌ها با طی مسیری متنافر در عمل، تأثیر منفی بر توفیق فرآیند توسعه گذاشته و در نهایت به عدم تحقق اهداف توسعه میان‌افزا خواهد انجامید.

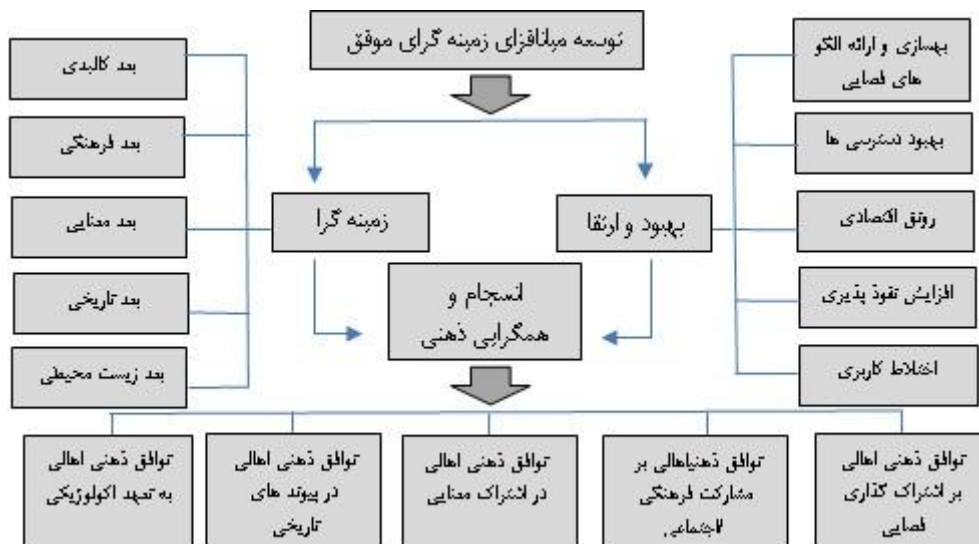
هرچه وجه بهبود - ارتقاء رویکردی و اگر بوده و با نگاه به آینده در پی خلق ایده‌های پویا درصدد پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده انسانی است در مقابل زمینه‌گرایی رویکردی همگرا با نگاهی در گذشته در پی اخذ الگوهای مطابق با زمینه و حفظ پیوندهای تاریخی دارد. دو اصل ارتقا و بهبود و زمینه‌گرایی باید همگام با یکدیگر در توسعه میان‌افزا پیش روند. این دو اصل توسعه را به نحوی متوازن و متعادل رقم خواهند زد و از یک سو، از ایده آل پردازی برای توسعه انفجاری، از سویی دیگر از تقلید ساده و رقم زدن محیطی بی‌روح و غیر مفید و غیر سودآور جلوگیری می‌کنند (مبانی رویه‌ای - ۱۷۹) از طرفی باید توجه داشت که هدف نهایی توسعه درونی پایدار، ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است (راستین و ولی بیگ، ۱۳۹۳، ۸) نتیجه این ارتباط و تعامل سازنده در گذر زمان، تأثرات سازنده ذهنی است که در

¹ Transic

² Amos rapoport

ساکنان به‌وجود می‌آید و آن‌ها را به تعامل با زمینه و ارتباط با سایر اهالی محله سوق می‌دهد. چنین تأثراتی در نهایت به انسجام، یکپارچگی و اتفاق نظر ساکنین در مسائل مشترک فی‌مابین منجر خواهد شد. زمینه‌گرایان معتقدند که نگرش به ساختارذهنی و عینی در شهر (زمینه) به‌مثابه رویدادی تکاملی در ابعاد کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، عامل انسجام‌دهنده در شهر قلمداد می‌شود (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ۱-۲۲) به عبارت دیگر همگرایی ذهنی کنونی ساکنان محله و هم‌رأیی آن‌ها در موضوعات مختلف شهری می‌تواند نشانی از تحقق اهداف زمینه‌گرایی و معیاری برای سنجش موفقیت توسعه زمینه‌گرایی مد نظر قرار گیرد. باید توجه داشت حتی بخش‌های کالبدی توسعه نیز در گذر زمان بازتاب خود را در ذهن ساکنین در قالب تمایل ساکنان به مشارکت فضایی، اشتراک دسترسی‌ها و رضایت به اختلاط کاربریها بروز می‌دهد. بنابراین توسعه میان‌افزایی موفق قلمداد می‌شود که منجر به انسجام ذهنی ساکنین و توافق‌رأی آنان در ابعاد متفاوت زمینه‌گرایی نظیر کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، معنایی و اکولوژیکی در قالب معیارهای که ناظر بر محتوای ذهنی ساکنین است نظیر تمایل به اشتراک فضا، اشتراک پیوندهای تاریخی، مشارکت فرهنگی و اجتماعی، اشتراک در وجوه معنایی و تعهد مشترک اکولوژیکی مورد توجه

قرار گرفته است. در این پژوهش با توسل به پس‌زمینه‌تئوریک رویکرد زمینه‌گرایی، انسجام را برآیند کلیه معیارهای بالا و نقطه تحقق اهداف توسعه موفق میان‌افزا در گذر زمان در همگرایی فکری ساکنین محلات مجاور با مجموعه اضافه شده مد نظر قرار دادیم.



شکل ۱- مدل مفهومی

روش پژوهش

استراتژی مورد استفاده در این پژوهش کمی با استفاده از ضریب معنی‌داری توزیع (p.value) برای سنجش میزان همگرایی ذهنی ساکنین به‌کار می‌رود. معیارهای آزمون بر اساس اصول زمینه‌گرایی که شامل ابعاد کالبدی، فرهنگی، معنایی، تاریخی و اکولوژیکی می‌باشد در قالب معیارهای اتفاق نظر ساکنین به‌صورت اشتراک‌گذاری فضایی، مشارکت اجتماعی - فرهنگی، معنایی، اشتراک پیوندهای تاریخی و تعهد مشترک اکولوژیکی بین کوی دانش به‌عنوان مجموعه هدف با کوی‌های مجاور (امامیه و سجادیه) مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به‌منظور تدوین پرسشنامه ابتدا از طریق گفتگو با تعدادی از ساکنین محله و مصاحبه‌های نیمه‌سازمان یافته، موضوعات چالش‌برانگیز پژوهش مشخص و پس از آن پرسشنامه در دو بخش تهیه شد؛ بخش اول پرسشنامه به مشخصات فردی پرسش‌شونده اعم از جنسیت، سن، وضعیت تاهل، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت مالکیت مسکن و سابقه سکونت

اختصاص یافت (جدول-۱) که قیاس این اطلاعات در کنار نتایج نهایی پژوهش می‌توانست به یافته‌های جدیدی منجر شود و بخش بعدی بر اساس مدل مفهومی منتج از مطالعات نظری در ۵ بخش برای ارزیابی هر یک از جنبه‌ها و مولفه‌های ارزیابی تدوین شد. در تهیه پرسشنامه سعی شد سوال‌ها به صورت کوتاه و رسا تدوین گردد که پاسخ دهندگان ذهنیت خود را بدون هیچ پنهان کاری بروز دهند. بخش اصلی سوالات برای ارزش گذاری معیارهای مستخرج از اصول زمینه‌گرایی به شرح زیر می‌باشد.

برای سنجش تمایل اشتراک گذاری فضایی سوالاتی در باب میزان تمایل ذهنی ساکنین برای اشتراک دسترسی‌ها و فضاهای محله و همسایگی‌ها آمده است. که از رضایت در بازگشایی بن بست‌ها و ورود کاربریهای خدماتی در محله، ایجاد پارک‌هایی برای استفاده مشترک با کوی‌های مجاور و بازی فرزندان با کودکان سایر کوی‌ها پرسیده شد. برای سنجش اتفاق نظر ساکنین در مشارکت فرهنگی و اجتماعی از رضایت آنها به مشارکت در اخذ تصمیم در محله و برای مشارکت اقتصادی از میزان تامین خریدهای روزانه از داخل محله بدون خروج از آن پرسیده شد. برای سنجش اشتراکات معنایی در ذهن ساکنین سوال از توصیه محل زندگی به دیگران برای میزان دل‌بستگی و اجازه دور شدن به کودکان از خانه و تعیین ساعات تردد امن در محله برای سنجش حس امنیت و پرسش از رضایتشان از ورود افراد غریبه به محله برای حس حریم و قلمرو و تکافو امکانات محل برای حس مشترک عدالت در تخصیص زیر ساخت‌های رفاهی، رضایت از تعریض معابر و عبور گذرهای کلان شهری از محله برای حس نیاز به تغییرات انجام شد. برای سنجش اشتراک پیوندهای تاریخی، آشنایی آنها با شخصیت‌هایی که در گورستان تاریخی محله مدفون شده‌اند پرسیده شد و در نهایت برای آزمون همگرایی تعهد در قبال مسائل زیست بوم و بهداشت محیطی از تمایل آنها برای هزینه و اقدام برای نگهداری فضای سبز در مواقع تعارض با توسعه محله پرسیده شد.

این مطالعه در بین ساکنین سه کوی انجام شد. پس از آزمون اولیه و توزیع پرسشنامه به تعداد ۲۰ عدد در هر کوی و بررسی و رفع نقائص و نارسایی‌های سوالات در نهایت به تهیه و توزیع پرسشنامه به تعداد ۲۹۹ عدد بر اساس خانوار هر کوی اقدام شد؛ با بررسی داده‌ها توسط نرم افزار SPSS و به کارگیری روش مطالعات متنی - روایی میزان تحقق اهداف توسعه میان‌افزا در کوی دانش به عنوان مجموعه هدف در تعامل با کوی‌های مجاور (امامیه و سجادیه) مورد بررسی قرار گرفت. (جدول ۱)

جدول ۱- مشخصات جمعیتی ۳ محله

ویژگیهای جمعیتی	کوی دانش	محله سجادیه	محله امامیه	مجموع سه محله
جنسیت	مرد	۶۵	۱۰۰	۲۱۸
	زن	۳۷	۲۸	۷۰
وضعیت تاهل	متاهل	۷۱	۸۶	۲۰۰
	مجرد	۳۲	۴۳	۹۰
تحصیلات	زیر دیپلم	۳	۳۲	۶۱
	دیپلم	۲۲	۵۴	۹۶
	بالای دیپلم	۷۶	۴۰	۱۲۸
مالکیت	شخصی	۹۳	۸۷	۲۱۹
	رهن/اجاره	۹	۳۶	۶۴

محدوده مورد مطالعه

توسعه در شهرهای ایران در دههٔ چهل و پنجاه هم‌زمان با افزایش نقدینگی حاصل از فروش نفت و عزم حاکمان به پیاده‌سازی تغییرات سریع در مطابقت شکلی با شهرهای غربی اتفاق افتاد. بخشی از این توسعه شامل ساخت مسکن برای سکونت دادن کارمندان و کارکنان دولتی بود که توسط نهادهای عمومی بنا می‌گردید. (بزدانی، ۱۳۸۶، ۴۷) بر این

اساس شهرک‌های مسکونی بزرگ با حمایت بخش‌های خصوصی و دولتی در زمین‌های خالی درون شهر به‌وجود آمد که از آن جمله می‌توان به کوی‌های تهران پارس، تهران نو و نارمک در پایتخت اشاره کرد. (مهدیزاده، ۱۳۸۲، ۷)

تحولات اساسی در اقتصاد تبریز از ۱۳۴۰ به بعد و با هدف تبدیل شدن به قطب رشد منطقه با تمرکز بر سیاست‌های عمرانی، شروع شد (یزدانی، ۱۳۸۶، ۴۷) این توسعه سبب پیدایش کوی‌ها و محلات و شهرک‌ها گردید (ظاهری، ۱۳۸۷، ۱۸۷) در میان این کوی‌های نوشتز، به کوی دانش به‌عنوان نمونه موردی پژوهش می‌توان اشاره کرد. کوی دانش مجموعه‌ای مسکونی است که در سال ۱۳۵۴ در باغ بزرگی مابین محله قدیمی امامیه جاگذاری شد. این مجموعه از طرف نهادهای وابسته به فرهنگیان خریداری و پس از تفکیک در اختیار کارکنان وابسته به آموزش و پرورش قرار گرفت. محله امامیه شامل کوی محمدآباد و بخشی از باغ‌های جنوب محله قدیمی «لیلاوا» از محلات قدیمی تبریز محسوب می‌شده است که پس از بخشش از سوی محمد شاه قاجار به محمد کاظم امامی، امام جمعه وقت تبریز و داماد ناصر الدین شاه پایه‌ریزی شده و هم‌او به بنای گورستان امامیه در ضلع جنوبی این محل اقدام کرده است. این محله از طرف شرق منتهی به خیابان مشروطه و از جنوب به گورستان امامیه و از شمال به بلوار آزادی تبریز و از غرب به خیابان لاله‌زار جنوبی متصل می‌شود. بناهای مهمی نظیر دانشگاه هنر اسلامی و دانشگاه پیام نور در مجاورت آن قرار دارند.

اگر چه با جاگیری کوی دانش در زمین خالی میان محله قدیمی امامیه، در شمار توسعه میان‌افزا قلمداد می‌شود؛ ولیکن روند توسعه آتی آن قابل انطباق با اهداف کاملاً برنامه‌ریزی شده و مدیریت هوشمندانه و منسجم در راستای توسعه پایدار نبوده، به همین منظور لازم است تاثرات پیدایش آن که بر اساس اهداف کوتاه مدت و توسعه اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی، در بیش از سه دهه شکل گرفته، در قاب ذهنی ساکنان مورد بررسی قرار گیرد.



شکل ۱- سمت راست: موقعیت کوی دانش در سال ۱۳۹۷، سمت چپ: موقعیت زمین خالی در سال ۱۳۴۶ قبل از اختصاص یافتن به کوی دانش

یافته‌های پژوهش

با بررسی داده‌های به‌دست آمده از ۲۹۹ پرسشنامه تکمیل شده و تحلیل آنها توسط نرم افزار SPSS، میزان همگرایی و توافق نظر پاسخ دهندگان در سه کوی در مجموع و نیز دو به دو مقایسه و بر اساس ضریب معنی‌داری، میزان توزیع پاسخ‌ها بررسی شد؛ چنانچه $p.value < 0.05$ بود به معنی عدم وجود انسجام و چنانچه $p.value > 0.05$ نشان می‌-

دهد، به جدول درصد پاسخ‌ها رجوع کردیم، اگر پاسخ دهندگان گزینه با ارزش‌گذاری بیشتر را انتخاب کرده باشند انسجام در جهت تعامل بیشتر و اگر گزینه با ارزش کمتر انتخاب کرده باشند انسجام به سمت تعامل کمتر تعبیر گردید.

انسجام فضایی

تمایل به اشتراک‌گذاری فضاها نتیجه توجه به نفوذپذیری بیشتر و برهمکنش کوی‌ها در حین طراحی می‌باشد که در نهایت به پیوستگی فضایی و تداوم بصری در بازسازی بدنه‌ها و انسجام کالبدی و توسعه فضاهای همسایگی منجر می‌شود. بر همین اساس می‌تواند معیاری برای سنجش توجهات کالبدی در توسعه میان‌افزا در بدو شکل‌گیری باشد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بین کوی دانش به‌عنوان مجموعه هدف با کوی‌های مجاور تمایل کمی به لحاظ اشتراک‌گذاری دسترسی و فضاهای محله بر اساس ضریب معناداری میزان توزیع (p.value) دیده می‌شود. درحالی‌که معنی‌دار نبودن این ضریب برای کوی‌های سجاده و امامیه در مقایسه دو به دو با کوی‌دانش در بعد اشتراک‌گذاری فضا، به معنی عدم تمایل به اشتراک‌گذاری فضاهای محل از سوی اهالی کوی دانش به کوی‌های مجاور می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که اهالی وجود بن‌بست‌ها را در برقراری امنیت مؤثر دانسته و تمایل چندانی به ارتباط مستقیم با کوی‌های دیگر ندارند.

جدول ۲- سطح معناداری توزیع رضایت ساکنین محله به اشتراک‌گذاری فضاها

انسجام فضایی در سه محله	دانش-امامیه-سجاده	امامیه-سجاده	دانش-امامیه	دانش-سجاده	معیار	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	اشتراک دسترسی‌ها	انسجام
	۰,۰۰۰	۰,۴۹۴	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	اشتراک فضاها	فضایی
	۰,۲۹	۰,۱۳۱	۰,۰۰۸	۰,۱۴۰	اشتراک همسایگی‌ها	

بر خلاف تمایل پایین به اشتراک‌گذاری فضاهای محله و دسترسی، در تمایل به اشتراک‌گذاری فضاهای همسایگی با همسایه‌ها در کوی‌های مجاور که سابقه آشنایی وجود دارد بین سه کوی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و اتفاق نظر و انسجام همسایگی خوبی قابل استنباط است. اما در مجموع مقدار معنی‌داری توزیع تمایل ساکنین به اشتراک فضایی بین ساکنین سه کوی نشان از عدم موفقیت توسعه از حیث انسجام فضایی در محله را دارد.

انسجام اجتماعی فرهنگی

هدف اصلی توسعه درونی پایدار، بهبود ساختار فضایی، تقویت مکانی از طریق نهادهای اجتماعی و در راستای بعد اجتماعی است (راستین، ولی بیگ ۱۳۹۳: ۸) بر این اساس اشتراک فعالیت‌ها در بعد اجتماعی به اختلاط کاربری‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی در نظارت، تصمیم‌گیری‌های کلی برای محله و در بعد فرهنگی به ایجاد نشاط و سرزندگی و تعاملات فرهنگی و مذهبی در مراسم مذهبی و آیینی و از بعد اقتصادی نیز به کاهش سفر، خریدهای ارزان، افزایش فرصت‌های شغلی برای ساکنین نشان از تحقق اهداف توسعه بر اساس معیارهای فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. با مراجعه به شاخص‌های جدول ۳ مشاهده می‌کنیم تمایل ساکنین کوی‌دانش به تأمین خریدهای روزانه از محله نسبت به دوکوی مجاور بسیار کم است.

جدول ۳- سطح معناداری توزیع رضایت ساکنین محله به مشارکت فرهنگی و اجتماعی

انسجام فرهنگی و اجتماعی	ابعاد	دانش-سجادیه	دانش-امامیه	امامیه-سجادیه	دانش-امامیه-سجادیه	انسجام فرهنگی و اجتماعی در سه محله
اجتماعی	مشارکت اجتماعی و فرهنگی	۰,۰۳	۰,۰۴۱	۰,۴۵۷	۰,۰۵۶	۰,۶۲۳
	مشارکت اقتصادی	۰,۰۰۰	۰,۱۴۰	۰,۰۲۸	۰,۰۰۰	

بر خلاف کم بودن تعاملات اقتصادی این کوی‌ها، لیکن از بعد اجتماعی و فرهنگی باوجود محدودیت‌های کالبدی و مسدود بودن دسترسی‌ها، شاخص‌ها نشان از مشارکت قابل قبولی بین اهالی دارد. در مجموع مقدار معنی‌داری توزیع تمایل ساکنین به مشارکت اجتماعی و فرهنگی بین ساکنین سه کوی نشان از روند مثبت توسعه از حیث انسجام اجتماعی در محله دارد.

انسجام معنایی

مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها و باورها، جهان بینی و نظام‌های نمادین مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۰). این مکان به مرور دلبستگی و تعلق و جذابیت محیط را ایجاد و تولید خاطره کرده و درک حریم و قلمرو را افزایش می‌دهد. محدوده محله به‌عنوان کلیتی با هویت احساس از عدالت در تخصیص امکانات شهری را به‌وجود می‌آورد و در صورت لزوم اراده همه ساکنین را به اعمال تغییر متحد می‌کند. چنانچه در جدول ۴ مشاهده میشود توزیع ذهنی اهالی در همه موارد معنایی به جز حس حریم و قلمرو معنی دار می‌باشد این بدین معنی است که انسجام و اتفاق نظر اهالی تنها در محافظت از حریم و قلمرو به هم نزدیک است و در دیگر موارد اجماع نظر وجود ندارد. و تعلق خاطر ساکنین به محله فقط به محدوده کوی محدود می‌گردد. بافت جمعیتی یک‌دست کوی که ترکیبی از اقشار خاص سازمانی و صنفی است می‌تواند در این موضوع موثر باشد.

جدول ۴- مقدار سطح معناداری اشتراک حس معنایی ساکنین محله

انسجام معنایی در سه محله	ابعاد	دانش-سجادیه	دانش-امامیه	امامیه-سجادیه	دانش-امامیه-سجادیه	انسجام معنایی
۰,۰۰۰	دلبستگی	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۳	۰,۰۰۰	حس مشترک معنایی
	امنیت	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	
	حریم و قلمرو	۰,۴۴	۰,۰۴	۰,۰۰۳	۰,۰۶۴	
	عدالت	۰,۰۰۵	۰,۰۰۴	۰,۰۵۱	۰,۰۰۳	
	نیاز به تغییرات	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۱۸	۰,۰۰۰	

میزان توافق نظر برای دو مورد حس عدالت و نیاز به تغییرات در بین دو کوی امامیه و سجادیه معنی دار نمی‌باشد که نشان دهنده آنست که اهالی این دو کوی از تخصیص امکانات رضایت نداشته و خواستار تغییرات هستند در حالی که اهالی کوی دانش تمایلی برای تغییرات ندارند. در مجموع مقدار معنی‌داری توزیع اشتراکات معنایی بین ساکنین سه کوی نشان از عدم موفقیت توسعه از حیث انسجام معنایی در محله را دارد.

انسجام تاریخی

ریشه‌های مشترک تاریخی در ذهن ساکنین محله سبب افزایش تعهد به کلیت محله خواهد شد. از سوی دیگر نمادهای تاریخی می‌توانند پتانسیل‌هایی برای توسعه‌های آتی و محل هدف‌گذاری برای تغییر و توسعه‌های آتی باشند. قطع استمرار

تاریخی تحقیر حیات گذشته است (تولایی ۱۳۸۰: ۳۸) زمینه‌گرایی تاریخی بر حفظ ارتباط با گذشته و سنت، بویژه سنت‌های معماری و فرهنگ تأکید می‌شود (مولایی، ۱۳۹۶: ۵) مهمترین عنصر تاریخی زمینه محله امامیه، گورستان امامیه واقع در ضلع جنوبی محله می‌باشد که شخصیت‌هایی نظیر مرحوم امامیه و صمد بهرنگی و برخی از جان باختگان انقلاب مشروطه در آن آرمیده‌اند که می‌تواند نمادی از هویت تاریخی محله باشد. با توجه به جدول ۵ ارزش گذاری پاسخ دهندگان، اتفاق نظر ساکنین در عدم آگاهی از ریشه‌های تاریخی محله قابل مشاهده می‌باشد در مصاحبه‌ها نیز متوجه می‌شویم ساکنین از اذعان به مجاورت محله‌شان در کنار گورستان اباء داشته و حتی در آدرس‌دهی نیز از به کار بردن نام قدیمی محله خودداری می‌کنند که این مسئله حاکی از عدم توجه به ریشه‌های تاریخی حین توسعه می‌باشد. عدم پیروی از الگوهای هندسی و غالب زمینه و بی توجهی به عناصر تاریخی بافت، می‌تواند مهم‌ترین دلیل در عدم انسجام ذهنیت تاریخی قلمداد شود.

جدول ۵- مقدار سطح معناداری اشتراک پیوند های تاریخی ساکنین محله

پیوند مشترک تاریخی	دانش-سجادیه	دانش- امامیه	امامیه-سجادیه	دانش-امامیه- سجادیه
	۰,۳۳۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰

انسجام اکولوژیکی

توجه به یکپارچگی اکولوژیکی و ریشه‌های اکولوژیکی از رئوس زمینه‌گرایی زیست محیطی است (بهزادفر، ۱۳۸۴) توجه به پاکیزگی محیط عزم برای حفظ زیست بوم و دفع آلودگی‌ها و جلوگیری از نابودی آن بسیار منوط به رویکرد کلی ساکنین در لایه‌های ذهنی آن‌ها دارد. با توجه به جدول ۶، یکدستی در پاسخ ۳ محله مشاهده می‌شود ولیکن با مراجعه به پاسخ ساکنین متوجه می‌شویم حدود ۵۰ درصد پرسش شوندگان تعهد بالایی در هزینه برای حفظ و نگهداری دارند که نشان می‌دهد توسعه میان افزا در تعارض با زیست اقلیم قرار نگرفته است و مردم حفظ و نگهداری آن را قربانی توسعه و تعریض نمی‌کنند.

جدول ۶- مقدار سطح معناداری اشتراک تعهد ساکنین محله در قبال زیست بوم

تعهد مشترک در قبال زیست بوم	دانش-سجادیه	دانش- امامیه	امامیه-سجادیه	دانش-امامیه- سجادیه
	۰,۰۳۲	۰,۰۲۱	۰,۱۲۰	۰,۴۱۸

تحلیل یافته‌های پژوهش

بر اساس آنچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود سطح انسجام کلی یا اتفاق نظر بین ساکنین سه کوی در موارد مطروحه معنی دار نمی‌باشد. با مقایسه تفاوت میانگین نمرات لیکرت، شاخص انسجام در مقایسه دو به دو این کوی‌ها بر اساس جدول ۷ می‌توان نتیجه گرفت که این تفاوت ناشی از اختلاف نظر ساکنین کوی دانش نسبت به کوی‌های مجاور می‌باشد. در حالی که بین دو کوی امامیه و سجادیه که جزء کوی‌های قدیمی این بافت می‌باشند، تفاوت فکری بسیار زیادی را مشاهده نمی‌کنیم. لذا می‌توان گفت نحوه شکل‌گیری و توسعه کوی دانش به‌عنوان مجموعه‌ای که در گذشته به محله قدیمی امامیه اضافه شده است، به مرور در طول سه دهه سبب جدایی رویکردهای ذهنی ساکنان آن نسبت به کوی‌های مجاور شده است.

جدول ۷- مقدار سطح معناداری و تفاوت میانگین نمرات لیکرت، شاخص انسجام ذهنی بین ساکنین محله

محلّه اول	محلّه دوم	تفاوت میانگین نمرات لیکرت	ضریب معنا داری
سجادیه	دانش	۰,۵۷۱۴۱	۰,۰۰۰
امامیه	دانش	۰,۱۵۵۵۰	۰,۱۲۵
دانش	سجادیه	- ۰,۵۷۱۴۱	۰,۰۰۰
امامیه	سجادیه	- ۰,۴۱۵۹۱	۰,۰۰۰
امامیه	دانش	- ۰,۱۵۵۵۰	۰,۱۲۵
دانش	امامیه	۰,۴۱۵۹۱	۰,۰۰۰
دانش	سجادیه	-	۰,۰۰۰

از طرفی باتوجه به آمار بدست آمده ، بین سابقه سکونت و انسجام کلی در کوی امامیه و سجادیه همبستگی مشاهده می‌گردد. در حالی که این همبستگی در کوی دانش وجود ندارد که بدین معنی است که با افزایش سابقه سکونت ذهنیت اهالی در باب موضوعات متفاوت، همگرایی کمتری مشاهده میکنیم.

باوجود گسست بسیار زیاد ذهنی ساکنان کوی دانش با کوی‌های مجاور، که از انسداد معابر به سمت کوی‌های مجاور در بدو شکل‌گیری نشئت گرفته است و به تبع آن به مرور گسست‌های رفتاری ، معنایی و تاریخی را در پی داشته است؛ بر خلاف انتظار، نتایج آمار از میزان مناسبی از رضایت به آشنایی و مشارکت اجتماعی و تمایل به اشتراک فضاهای همسایگی، البته با همسایه‌های کوی‌های مجاور که سابقه دوستی به بهانه‌های مختلف شکل گرفته است، حکایت دارد. این در حالیست که تمایلی برای بازگشایی بن بست‌ها از سوی ساکنان کوی دانش وجود ندارد و با افزایش متغیر سابقه سکونت این عدم تمایل افزایش می‌یابد. با تطبیق این آمار با مصاحبه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که ساکنان بیشتر تمایل به تضارب اجتماعی در نقاطی خارج از محله همانند مساجد و پارک‌ها و سایر مکان‌های مذهبی ، علمی و ورزشی دارند. به اذعان اهالی، مسجد نبی اکرم واقع در نبش میدان حکیم در سمت شمالی محله برای مراسم مذهبی مناسبی، اعیاد، ادای فریضه نماز و نیز گردهمایی هیئت امنای محلات و نیز ملاقات نوجوانان در کتابخانه مسجد و پارک‌های متعدد حاشیه‌های محله برای گشت و گزار ، ورزش صبحگاهی، بهانه‌ای برای ملاقات و روابط اجتماعی را بین ساکنین محلات فراهم آورده است و این نکته لزوم توجه به کاربری‌های جاذب برای اهالی در حاشیه محله جهت ایجاد آشنایی بیشتر و تشویق به همدلی و همکاری در رفع مشکلات کل محله را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با ارزیابی توسعه میان‌افزا در نمونه موردی کوی دانش به‌عنوان مجموعه هدف بر اساس اصول زمینه‌گرایی و انطباق این اصول بامیزان تمایل ساکنین به تعامل با محلات مجاور در قالب معیارهای رضایت به اشتراک‌گذاری فضاها، مشارکت فرهنگی- اجتماعی، اشتراک معنایی، اشتراک در پیوند‌های تاریخی و مشارکت اکولوژیکی؛ با توجه به پایین بودن سطح معنی‌داری میزان توزیع رضایت ساکنین کوی دانش به تعاملات با محلات مجاور، می‌توان نتیجه گرفت انسجام و همگرایی ذهنی بین ساکنین کل محله پایین بوده و باجگیری کوی دانش در محله قدیمی امامیه نه تنها اهداف توسعه میان‌افزا در افزایش سطح تعاملات با زمینه و ایفای نقش محرک توسعه در گذر سه دهه از شکل‌گیری محقق نشده، بلکه باعث افتراق محله قدیمی به کوی‌های مجزا ازهم شده است. عامل اصلی بروز آنرا می‌توان در انسداد کلی معابر به محلات مجاور، که راه را برای تعاملات اجتماعی و تاثیرگذاری‌ها بسته و باعث بروز گسست‌های فکری و واگرایی ذهنی ساکنین در نیاز به تعاملات و اختلاط فعالیت‌ها شده است ، جستجو کرد. به نظر میرسد در شکل‌گیری کوی دانش بیشتر کیفیت خود محله ،منافع صنفی یا تمایلات سوداگرانه افزایش قیمت زمین مدنظر بوده است. البته مجاورت با گورستان امامیه، گورستان ارمنی‌ها، کارخانه چرم که مدت‌های مدیدی متروک و بلا استفاده رها شده بوده و نیز افزایش

حضور صنف تعمیرگاه خودرو که لبه بیرونی این محله را دچار اغتشاش کرده، بر این جدایی طلبی بی تاثیر نبوده و به دوری گزینی محله دامن زده است. در مجموع از دلایل عدم موفقیت مجموعه‌های میان افزا در قالب کوی‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی و سازمانی متداول در اکثر شهرهای ایران می توان به، محصور شدن محله در میان دیوار و نرده‌ها، محدود کردن ارتباطات محله و مسدود کردن معابر ارتباطی محله با محله‌های اطراف، کنترل ورودی های محله توسط نگهبانی، اسکان خانواده‌های محله بر مبنای ارتباطات صنفی و نه گسترش تدریجی محله و عدم توجه به الگوهای غالب تاریخی و بومی زمینه اشاره کرد. مراودات اقتصادی نظیر خریدهای روزانه و روابط فرهنگی بین ساکنین در اعیاد ملی و برگزاری مراسم مذهبی می تواند از تاثیرات این مشکلات بکاهد و ارتباط ساکنین با محله را تعمیق بخشد.

منابع و مأخذ

- آئینی، محمد و زهرا السادات اردستانی. (۱۳۸۸). هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درون‌زای شهری. نشریه هویت شهر، ۳(۵)، ۴۷-۵۸.
- اسدیگی، حمید. (۱۳۹۴). ضرورت توسعه میان‌افزا در مدیریت زمین پایدار حریم شهر تهران. ماهنامه شهر نگار، ۱۲، ۵۰-۶۳.
- ایزیدی قادر، اعتصام ایرج، حبیب فرح، مختاباد امرئی مصطفی. (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. فصلنامه نقش جهان، ۳(۱)، ۷-۱۸.
- بحرینی، حسین، بلوکی، بهناز و تقابن، سوده. (۱۳۸۸). تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، جلد اول: اواخر قرن ۱۹ تا دهه هفتم قرن ۲۰ میلادی ۳۰۰۶. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهبزادفر، مصطفی. (۱۳۸۴). طراحی شهری در زمینه بررسی موردی بم. فصل نامه آبادی، ۴۹، ۸۲-۹۶.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۳۳-۳۴.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راستین، پگاه و نیما ولی بیگ. (۱۳۹۳). بررسی نقش ساختارهای میان افزا با دیدگاه زمینه گرا، در توسعه پایدار شهری در بافت های قدیمی. مقاله منتشر شده در کنفرانس بین المللی روشهای نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه گرا، تبریز.
- رفیعیان، مجتبی، براتی، ناصر و آرام، مرضیه. (۱۳۸۹). سنجش ظرفیت توسعه فضاهای بدون استفاده در مرکز شهر قزوین با تاکید بر رویکرد توسعه میان افزا. فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، ۳(۵)، ۴۵-۶۱.
- زالی، شقایق. (۱۳۹۴). بازآفرینی بافت تاریخی شرق بازار ارومیه با رویکرد زمینه گرایی. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- سعیدی رضوانی، نوید، داوودپور، زهره، قدری، الهام و سرور، رحیم. (۱۳۹۲). کاربرد اصول توسعه میان‌افزا در بهبود فضای- عملکردی بافت های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران). جغرافیا، ۱۱(۳۶)، ۱۵۹-۱۸۰.
- ظاهری، محمد. (۱۳۸۷). نقش روند گسترش کالبدی شهر تبریز در ایجاد تغییرات کاربری اراضی حومه شهر و روستاهای حوزه نفوذ. مجله جغرافیا و توسعه، ۱(۱)، ۱۸۱-۱۹۸.
- فتحی، حسن. (۱۹۷۳). ساختمان سازی با مردم. ترجمه علی اشرفی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- فرشچین، امیر رضا، شریفیان، احسان، رفیعیان، مجتبی و رضانی، راضیه. (۱۳۹۶). تبیین نظری مبانی توسعه میان افزا و رویکرد های رویه ای آن. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، ۲۳، ۱۶۵-۱۸۲.
- قاسمی شکتایی، شیدا و حقیقت نائینی، غلامرضا. (۱۳۹۲). ارائه چارچوب عمومی توسعه میان افزا. مقاله منتشر شده در همایش ملی معماری مدیریت و فرهنگ معماری.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). محیط بصری شهر سیرتحوّل از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. مجله علوم محیطی، ۵(۴)، ۹۵-۱۱۳.
- ماجدی، حمید و زرآبادی، زهراسادات سعیده. (۱۳۸۹). شهر نشان‌دار به‌مثابه شهر زمینه‌گرا. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، ۲(۳)، ۱-۲۱.
- مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۲). نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی-فضایی شهر تهران (دوره تکوین کلانشهر تهران ۱۳۴۰-۱۳۵۷). مجله جستارهای شهرسازی، ۴، ۳۷-۴۳.

میرکتولی، جعفر و حسینی، محمد حسن. (۱۳۹۲). ارزیابی تناسب اراضی میان بافتی شهر گرگان برای توسعه میان‌افزا با استفاده ترکیبی از AHP و GIS. فصل‌نامه عملی-پژوهشی مطالعات شهری، ۳ (۹)، ۶۹-۷۹.

میرمقتدایی، مهتا، رفیعیان، مجتبی و سنگی، الهام. (۱۳۸۹). تاملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری. ماهنامه شهردارپها، ۹۸، ۴۴-۵۱.

نسترن، مهین و قدسی، نرگس. (۱۳۹۴). شناسایی پهنه‌های مستعد توسعه میان‌افزا در نواحی ناکارآمد مراکز شهرها (نمونه موردی: منطقه یک اصفهان). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۲۰)، ۵۱-۶۸.

وارثی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). تحلیلی بر وضعیت بافت تاریخی اصفهان. فصلنامه فرهنگ اصفهان، ۲۷ و ۲۸، ۶۲-۷۱.

یزدانی، محمد حسین و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۸۴، ۲۹-۵۲.

Dorsey, J.W. (2003). Brownfields and Greenfields: The Intersection of Sustainable Development and Environmental Stewardship. *Environmental Practice*, 5(1), 69-76.

Steiner, Frederick & Kent Butler, 2012 *Planning and Urban Design Standards*, John Willey & Sons.

Farris's J. Terence. (2001). *The Barriers to using urban infill development to achieve smart growth*. Taylor & Francis.

American Planning Association (APA), 2006, *Planning and Urban Design Standards*. John Willey & Sons.